

سردرد و قدم

روز هجران و شب فرقت یار آخر شد
 زدم این فال و گذشت اختر و کار آخر شد
 این همه ناز و تنعم که خزان می فرمود
 عاقبت در قدم باد بهار آخر شد
 مجله زمانی به دست خوانندگان عزیز می رسد که «عاقبت» خزان و زمستان
 با همه سماجت و سرسختی، در برابر قدم بهار «آخر» شدند و بهار با نوروز- به
 نشانه نو شدن زمین و زمان و جان و دل، فرا رسیده و نوید زندگانی می دهد!
 علم دولت نوروز، به صحرا برخاست
 زحمت لشکر سرما ز سر ما برخاست
 بر عروسان چمن بت صبا هر گهبری
 که به غواصی ابر از دل دریا برخاست
 شیخ اجل سعدی علیه الرحمه با این بشارت، به روال همیشگی اش زبان
 به انذار می گشاید و از همه می خواهد که از بهار، به عنوان بهانه ای برای تأمل
 و تعمق در اسرار هستی استفاده کنند:
 این همه نقش عجب بر در و دیوار وجود
 هر که فکرت نکند نقش بود بر دیوار
 کوه و دریا و درختان همه در تسبیح اند
 نه همه مستمعی فهم کند این اسرار
 و معلم است که به ایجاد این فهم کمک می کند و بدین سبب، شایسته
 بزرگداشت و احترام است؛ معلمی که هدفش تنها آرایه دانش یقینی از قبل





بدین جهت است که آموزش معلمان، از دغدغه‌های اساسی نظام‌های آموزشی در دنیاست؛ به‌خصوص در زمانی که از طریق تکنولوژی‌های پرسرعت، پرقدرت، وسیع و ارزان، دسترسی به منابع دانشی و دانش‌یقینی سهل شده و دیگر ارایهٔ دانش صرف، از مسئولیت‌های اصلی معلم نیست. با چنین فراقتی، معلم نقش‌ها و مسئولیت‌های جدیدی پیدا کرده است که اگر در آموزش معلمان، چگونگی ایفای آن نقش‌ها و پذیرش آن مسئولیت‌ها لحاظ نشود، جامعه‌های آموزشی دچار بحران‌های جدی می‌شوند. در واقع، توقعی که از معلم امروز می‌رود، ایفای نقش آرمانی معلم است که همان پذیرش مسئولیت، تعلیم و تربیت و آموزش مفاهیم جهت توسعه‌ی فهم و درک آن‌هاست. در این میان، معلم ریاضی فرصت مغتنمی در اختیار دارد، زیرا از طریق موضوعی به تعلیم و تربیت می‌پردازد که ماهیت آن، دعوت به تأمل و تعقل و تدبیر و بازتاب بر آموخته‌ها به‌منظور دوباره‌نگری، اصلاح و طرحی نو در انداختن است. همان‌گونه که ماهیت بهار، این چنین است!

بالاخره در بهار، روز ریاضیات را به مناسبت زادروز خیام، ریاضی‌دان و شاعر منحصر به فرد ایرانی داریم. کسی که ریاضیاتش مرزهای نوینی را در جهان ریاضی گشود و مسیرهای روشنی را پیش روی دیگران گذاشت، درحالی که رباعیاتش هم‌چنان برای جهانیان فرهیخته، حالت سحر و افسون دارد و برای فهمیدن آن‌ها، کارهای فراوانی انجام شده است.

نوروز، بهار، روز معلم و روز ریاضیات. زادروز خیام بر خوانندگان گرمی مجله مبارک باد.

موجود نیست، بلکه تلاشش برای بیدار کردن دانش‌آموزان از «خواب جهالت» است:

خبرت هست که مرغان سحر می‌گویند

آخر ای خفته، سر از خواب جهالت بردار

هر که امروز نبیند اثر قدرت او

غالب آن است که فرداش نبیند دیدار

تا کی آخر چو بنفشه سر غفلت در پیش

حیف باشد که تو در خوابی و نرگس بیدار

بهار علاوه بر این که با نوروز، مزدهٔ نو شدن می‌دهد و طبیعت دگرگون شده، به زایش و رویش می‌پردازد و بدین سبب قدمش بر همگان مبارک است، برای جامعهٔ آموزشی ایران نیز ویژگی‌های قابل توجهی دارد که مهم‌ترین آن، روز معلم است. این روز بهانه‌ای است تا معلمانی را که سعدی توصیف کرده است، گرمی بداریم. همان معلمی که ارایهٔ درس، حداقل کاری است که می‌کند، اما کار اصلی او تربیت نسل‌هاست که شهروندان حال و آینده‌سازان جامعه هستند. بزرگداشت چنین معلمی واجب است و آموزش او، باید که همواره از اهمیت خاص برخوردار باشد. جامعهٔ آموزشی هر چقدر در این راه هزینه کند، به‌واقع سرمایه‌گذاری عظیمی انجام داده است و خدای ناکرده غفلت در امر آموزش معلمان- هر چقدر هم اندک- خسران بسیار به‌بار می‌آورد. باز هم شیخ اجل، تفاوت بین معلم و کسی را که فقط تدریس می‌کند و معلمی نمی‌داند به بیان ظریفی توصیف کرده است:

ندهد هوشمند روشن رای

به فرومایه کارهای خطیر

بوریا باف اگر چه بافنده است

نبرندش به کارگاه حریر